میراث

«سنگ‌زنی» کهن‌ترین آیین سوگواری در سمنان

آیین کهن سنگ‌زنی روستای علای با حضور گسترده عاشقان حسینی برگزار شد.

روستای علای سمنان در هفتمین روز از ماه محرم، بار دیگر صحنه تجلی یکی از کهن‌ترین آیین‌های سوگواری حسینی شد؛ آیینی که صدای کوبش چوب‌ها در آن، روایتگر حماسه‌ای است که قرن‌ها پیش در صحرای کربلا رقم خورد.

از نخستین ساعات صبح، مسیرهای منتهی به روستا مملو از عاشقان اهل بیت(ع) بود که برای حضور در مراسم سنتی سنگ‌زنی راهی این منطقه شده بودند.

فضای روستا حال و هوایی متفاوت داشت. پرچم‌های سیاه و سرخ بر سردر خانه‌ها و کوچه‌ها نصب شده بود و نوای مرثیه از بلندگوهای حسینیه و تکیه‌های روستا به گوش می‌رسید. پیر و جوان، زن و مرد، همه خود را برای حضور در مراسمی آماده می‌کردند که نسل به نسل از نیاکانشان به یادگار مانده است.

به گزارش ایرنا، با آغاز آیین، صفوف منظم عزاداران در میدان اصلی روستا شکل گرفت. مردان و نوجوانان با در دست داشتن دو قطعه چوب که نماد سنگ در این مراسم است، حلقه‌های عزاداری را تشکیل دادند و با نوای هماهنگ «حیدر، علی» چوب‌ها را به هم کوبیدند. صدایی که در فضای روستا طنین‌انداز شد، یادآور چکاچک شمشیرهای یاران امام حسین(ع) در نبرد عاشورا بود.

حرکت هماهنگ عزاداران، نظم مثال‌زدنی صفوف و همصدایی آن‌ها در ذکر نام مولای متقیان حضرت علی(ع)، صحنه‌هایی پرشور و حماسی خلق کرده بود. بسیاری از حاضران با چشمانی اشکبار و دل‌هایی سرشار از ارادت، در این مراسم شرکت کرده بودند.

در میان جمعیت، حضور نوجوانان و جوانان چشمگیر بود. نسل جدید روستا در کنار بزرگان، آیینی را اجرا می‌کردند که بیش از یک قرن قدمت دارد. همین حضور پررنگ جوانان، نشانه‌ای از استمرار و ماندگاری این سنت ارزشمند در سال‌های آینده است.

خانواده‌های بسیاری نیز از شهر سمنان و دیگر نقاط استان برای تماشای این آیین به علای آمده بودند. برخی از آن‌ها سال‌هاست هر محرم خود را به این روستا می‌رسانند تا در مراسمی شرکت کنند که بخشی از هویت مذهبی و فرهنگی منطقه به شمار می‌رود.

در حاشیه مراسم، مردم روستا با برپایی ایستگاه‌های صلواتی و توزیع نذورات از میهمانان پذیرایی می‌کردند. بوی چای تازه‌دم، شله‌زرد، آش و دیگر نذری‌ها در کوچه‌های روستا پیچیده بود و جلوه‌ای از فرهنگ میهمان‌نوازی مردم علای را به نمایش می‌گذاشت.

یکی از عزاداران میانسال که بیش از چهار دهه در این آیین حضور داشته، گفت: سنگ‌زنی برای ما فقط یک مراسم نیست؛ این آیین یادآور رشادت‌های یاران امام حسین(ع) است و هر بار که چوب‌ها را به هم می‌کوبیم، احساس می‌کنیم در حال تجدید بیعت با آرمان‌های عاشورا هستیم.

در بخش‌هایی از مراسم، نوحه‌خوانان و مرثیه‌سرایان با ذکر مصائب شهدای کربلا، حال و هوای معنوی خاصی به جمع عزاداران بخشیدند. صدای نوحه‌ها با ضرباهنگ چوب‌ها درهم می‌آمیخت و صحنه‌ای کم‌نظیر از سوگواری سنتی را رقم می‌زد.

گردشگران مذهبی و علاقه‌مندان به آیین‌های بومی نیز از دیگر حاضران در این مراسم بودند. بسیاری از آن‌ها با ثبت تصاویر و فیلم از این آیین، تلاش می‌کردند بخشی از این میراث ارزشمند فرهنگی را به دیگران معرفی کنند.

آیین سنگ‌زنی علای نه‌تنها یک مراسم مذهبی بوده؛ بلکه جلوه‌ای از هویت تاریخی و فرهنگی مردم این منطقه است؛ آیینی که در سال ۱۳۸۸ با شماره ۸۳ در فهرست میراث معنوی کشور به ثبت رسید و امروز به‌عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین آیین‌های عاشورایی استان سمنان مطرح می‌شود.

آنچه این مراسم را متمایز می‌کند، پیوند عمیق میان سنت، اعتقاد و مشارکت مردمی است. در این آیین، همه اهالی روستا سهمی در برگزاری مراسم دارند؛ از عزاداران گرفته تا خانواده‌هایی که پذیرایی از میهمانان را بر عهده می‌گیرند.

روایت یک بحران ملی

فریاد خاموش دریاچه‌های ایران از ارومیه تا هامون

گروه استان‌ها| روزگاری نه چندان دور، پهنه‌های آبی ایران نه فقط بخشی از جغرافیا؛ بلکه قسمتی از هویت و زندگی مردمان این سرزمین بودند. از انعکاس آسمان در آب‌های نیلگون دریاچه پریشان گرفته تا نیزارهای گسترده هامون، از گستره سفید و آبی ارومیه تا تالاب‌ها و آبگیرهای پیرامون دریاچه قم، همه روایتگر پیوندی دیرینه میان طبیعت و انسان بودند؛ اما امروز، بسیاری از این پهنه‌های آبی به جای آنکه نشانی از زندگی باشند، به نمادی از بحران آب و تغییرات زیست‌محیطی تبدیل شده‌اند.

سفر به این دریاچه‌ها و تالاب‌ها، سفری میان گذشته‌ای سرشار از حیات و اکنونی آکنده از نگرانی است.

در استان فارس، دریاچه پریشان که روزگاری بزرگ‌ترین دریاچه آب شیرین کشور به شمار می‌رفت، اکنون در بخش‌های وسیعی به زمین خشک و ترک‌خورده‌ای بدل شده؛ جایی که زمانی میزبان پرندگان مهاجر و زیستگاه گونه‌های ارزشمند جانوری بود، امروز زیر فشار خشکسالی‌های پی‌درپی و برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی نفس می‌کشد.

در شرق کشور البته هامون داستانی تلخ‌تر دارد؛ تالابی که قرن‌ها منبع حیات سیستان و تکیه‌گاه معیشت هزاران خانوار بود، بارها طعم خشکی را چشیده است.

متأسفانه این روزها وزش باد بر بستر خشک تالاب، گردوغبار را به هوا می‌فرستد و تصویری از دشواری زندگی در منطقه‌ای را ترسیم می‌کند که زمانی به انبار آب و گندم ایران شهرت داشت.

در شمال غرب ایران نیز دریاچه ارومیه؛ بزرگ‌ترین دریاچه شور خاورمیانه، سال‌هاست در کانون توجه افکار عمومی و کارشناسان قرار دارد.

کاهش شدید تراز آب، نمایان شدن بخش‌های وسیعی از بستر نمکی و تهدید اکوسیستم منطقه، این دریاچه را به یکی از شناخته‌شده‌ترین نمادهای بحران محیط زیستی کشور تبدیل کرده است. اگر چه برنامه‌های احیایی در سال‌های اخیر بخشی از امیدها را زنده نگه داشته‌اند؛ اما مسیر بازگشت به روزهای پرآب همچنان دشوار و طولانی به نظر می‌رسد.

در مرکز ایران نیز دریاچه قم و تالاب‌های وابسته به آن از پیامدهای کم‌آبی و تغییرات اقلیمی بی‌نصیب نمانده‌اند. کاهش ورودی آب و افزایش تبخیر، این پهنه‌ها را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. مجموعه این رخدادها نشان می‌دهد خشکیدگی دریاچه‌ها تنها یک مسئله محیط زیستی نیست؛ بلکه موضوعی اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی است که آینده بسیاری از مناطق کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اکنون پرسش اصلی این است که آیا می‌توان این میراث طبیعی را به زندگی بازگرداند یا باید شاهد ادامه روایت تلخ عقب‌نشینی آب در سرزمین ایران باشیم؟

بنا به گفته کارشناسان، خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌های ایران، دیگر تنها یک دغدغه محیط زیستی نیست؛ این پدیده امروز به یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی کشور تبدیل شده است.

دریاچه‌هایی که روزگاری نقش مهمی در تنظیم آب‌وهوا، حفظ تنوع زیستی و تأمین معیشت جوامع محلی داشتند، اکنون با کاهش شدید منابع آبی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. کارشناسان هشدار می‌دهند که ادامه این روند می‌تواند پیامدهایی فراتر از نابودی یک اکوسیستم طبیعی داشته باشد و شرایط اقلیمی مناطق مختلف کشور را دگرگون کند.

چرا دریاچه‌ها خشک می‌شوند؟

کارشناسان مجموعه‌ای از عوامل طبیعی و انسانی را در بروز این وضعیت مؤثر می‌دانند. تغییرات اقلیمی و افزایش دمای هوا از مهم‌ترین دلایل طبیعی به شمار می‌روند. افزایش دما موجب تشدید تبخیر و کاهش ذخایر آبی شده و در بسیاری از مناطق کشور میزان بارش نیز نسبت به میانگین بلندمدت کاهش یافته است.

در کنار عوامل اقلیمی، نقش فعالیت‌های انسانی هم قابل توجه است. توسعه کشاورزی بدون توجه به ظرفیت منابع آب، برداشت بی‌رویه از سفره‌های زیرزمینی، حفر هزاران حلقه چاه و ساخت سدهای فراوان روی رودخانه‌های تغذیه‌کننده دریاچه‌ها از جمله عواملی هستند که روند خشکیدگی را تسریع کرده‌اند.

دکتر کامران زینال‌زاده، استاد گروه مهندسی آب دانشگاه ارومیه و رئیس پژوهشکده مطالعات دریاچه ارومیه دست‌اندازی انسان را بیشترین سهم در خشکیدگی دریاچه‌ای مانند ارومیه می‌داند و به ما می‌گوید: خشک شدن دریاچه دو عامل اصلی دارد؛ یکی بحث مربوط به تغییرات اقلیم بوده که بیشتر به صورت افزایش دما، کاهش بارش، تغییرات در رژیم بارش و نوع بارش در حوضه آبریز دریاچه اتفاق افتاده؛ اما عامل دوم و مهم‌تر که وزن سنگین‌تری هم در خشک شدن دریاچه ارومیه دارد، توسعه بی‌رویه و ناپایدار اراضی کشاورزی و صنایع آب‌بر بوده به طوری که ما اکنون بیش از ۶۰۰هزار هکتار اراضی آبی در این حوضه آبریز بحران‌زده داریم.

زینال‌زاده می‌افزاید: در سال‌های اخیر با وجود شدت گرفتن خشکسالی‌ها، متأسفانه همچنان شاهد ایجاد و راه‌اندازی صنایع آب‌بر و توسعه و تغییر کاربری اراضی کشاورزی در حوضه آبریز بوده‌ایم.

وی بیان می‌کند: با مصرف بیش از حد از آب تجدیدپذیر حوضه آبریز، دریاچه ارومیه، تالاب‌ها و رودخانه‌های حوضه آبریز با بحران جدی خشک شدن مواجه شده‌اند و در بحرانی جدی‌تر، ادامه این روند منجر به تخلیه قابل ملاحظه آب زیرزمینی دشت‌های حوضه آبریز شده است.

زینال‌زاده یادآور می‌شود: اضافه برداشت بی‌رویه چند دهه گذشته سبب شده دریاچه عملاً آبی را دریافت نکند و دست‌کم ۳میلیارد مترمکعبی که هر سال باید دریافت می‌کرد تا تعادلش را حفظ کند، دریافت نشده و تبخیر از سطح دریاچه با شدت ادامه داشته و اکنون با یک تالاب فصلی روبه‌رو هستیم.

نقش دریاچه‌ها در تنظیم اقلیم

شاید در نگاه نخست تصور شود خشک شدن یک دریاچه تنها به معنای از دست رفتن یک منبع آب است؛ اما واقعیت این بوده که دریاچه‌ها نقشی فراتر از ذخیره آب دارند. این پهنه‌های آبی مانند تنظیم‌کننده‌های طبیعی اقلیم عمل می‌کنند.

آب ظرفیت بالایی برای جذب و ذخیره گرما دارد. در طول روز بخشی از انرژی خورشیدی را جذب و در شب به تدریج آن را آزاد می‌کند. به همین دلیل مناطق مجاور دریاچه‌ها معمولاً دارای نوسان‌های دمایی کمتری هستند. هنگامی که دریاچه خشک می‌شود، این قابلیت از بین می‌رود و دمای محیط افزایش می‌یابد.

بررسی‌های انجام شده در اطراف دریاچه ارومیه نشان داده کاهش سطح آب این دریاچه با افزایش دمای محلی و تشدید موج‌های گرمایی همراه بوده است. این موضوع نه تنها زندگی ساکنان منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بلکه بر کشاورزی و منابع طبیعی نیز اثرگذار است.

کاهش رطوبت و تغییر الگوی بارش

یکی دیگر از پیامدهای مهم خشکیدگی دریاچه‌ها، کاهش رطوبت هواست. تبخیر آب از سطح دریاچه‌ها یکی از منابع تأمین رطوبت جو محسوب می‌شود. هنگامی که این منبع از بین می‌رود، میزان بخار آب موجود در هوا کاهش می‌یابد و شرایط خشک‌تری بر منطقه حاکم می‌شود.

کارشناسان اقلیم معتقدند کاهش رطوبت می‌تواند در بلندمدت بر الگوی بارش نیز اثر بگذارد. هرچند عوامل بسیاری در شکل‌گیری بارندگی نقش دارند؛ اما حذف منابع محلی رطوبت می‌تواند احتمال بارش‌های منطقه‌ای را کاهش دهد. در نتیجه چرخه‌ای شکل می‌گیرد که در آن خشکسالی موجب خشک‌شدن دریاچه‌ها می‌شود و خشک‌شدن دریاچه‌ها نیز به تشدید خشکسالی کمک می‌کند.

کانون‌های جدید گردوغبار

یکی از نگران‌کننده‌ترین پیامدهای خشک شدن دریاچه‌ها، تبدیل بستر آن‌ها به منشأ تولید گردوغبار است. زمانی که آب از سطح دریاچه عقب‌نشینی می‌کند، لایه‌های نمکی و رسوبات ریزدانه در معرض باد قرار می‌گیرند. این ذرات می‌توانند در فواصل طولانی جابه‌جا شوند و مناطق وسیعی را تحت تأثیر قرار دهند.

در مورد دریاچه ارومیه، کارشناسان بارها نسبت به خطر طوفان‌های نمکی هشدار داده‌اند. ذرات نمک می‌توانند زمین‌های کشاورزی اطراف را تخریب کنند، حاصلخیزی خاک را کاهش دهند و به محصولات زراعی آسیب برسانند. علاوه بر این، ورود ذرات معلق به هوا تهدیدی جدی برای سلامت شهروندان محسوب می‌شود.

تهدید سلامت عمومی

افزایش گردوغبار ناشی از خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها تنها یک مسئله زیست‌محیطی نیست؛ بلکه به یک چالش بهداشتی نیز تبدیل شده است. پزشکان می‌گویند افزایش ذرات معلق در هوا با رشد بیماری‌های تنفسی، آسم، آلرژی و مشکلات قلبی و عروقی ارتباط مستقیم دارد.

ساکنان مناطق درگیر خشکیدگی تالاب‌ها معمولاً بیش از دیگران در معرض این خطر قرار دارند. کودکان، سالمندان و بیماران تنفسی از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها به شمار می‌روند.

خسارت به تنوع زیستی

دریاچه‌ها و تالاب‌ها زیستگاه هزاران گونه گیاهی و جانوری هستند. خشک شدن این مناطق به معنای نابودی تدریجی زیستگاه‌ها و کاهش تنوع زیستی است. بسیاری از پرندگان مهاجر که هر سال برای زمستان‌گذرانی یا زادآوری به تالاب‌های ایران می‌آیند، با کمبود منابع غذایی و زیستگاهی مواجه شده‌اند.

کارشناسان محیط زیست معتقدند از بین رفتن تالاب‌ها می‌تواند زنجیره‌های غذایی را مختل کند و به کاهش جمعیت گونه‌های ارزشمند جانوری منجر شود. از این رو این مسئله نه تنها از نظر زیست‌محیطی؛ بلکه از منظر گردشگری طبیعی نیز زیان‌بار است.

پیامدهای اقتصادی و اجتماعی

بحران خشکیدگی دریاچه‌ها تنها به محیط زیست محدود نمی‌شود. کاهش تولیدات کشاورزی، افت درآمد جوامع محلی، افزایش هزینه‌های درمانی ناشی از آلودگی هوا و کاهش ظرفیت گردشگری، از مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی این پدیده است.

در برخی مناطق، کاهش منابع آب موجب مهاجرت روستاییان و تغییر الگوی سکونت شده است. کارشناسان هشدار می‌دهند که در صورت تداوم روند فعلی، برخی مناطق ممکن است با چالش‌های جدی اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو شوند.

راه نجات چیست؟

متخصصان بر این باورند که احیای دریاچه‌ها و تالاب‌های کشور نیازمند مجموعه‌ای از اقدام‌های هماهنگ و بلندمدت است. اصلاح الگوی مصرف آب در بخش کشاورزی، توسعه سامانه‌های نوین آبیاری، جلوگیری از برداشت‌های غیرمجاز، تأمین حقابه زیست‌محیطی دریاچه‌ها و مدیریت علمی سدها از مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی است.

همچنین سازگاری با تغییرات اقلیمی و افزایش بهره‌وری مصرف آب باید در اولویت برنامه‌ریزی‌های ملی قرار گیرد. به گفته کارشناسان، بدون اصلاح ساختار مدیریت منابع آب، امکان مقابله مؤثر با بحران خشکیدگی وجود نخواهد داشت.

خشک شدن دریاچه‌های ایران، امروز به یکی از مهم‌ترین نشانه‌های بحران آب و تغییرات اقلیمی در کشور تبدیل شده است. این پدیده تنها به کاهش حجم آب محدود نمی‌شود؛ بلکه بر دما، رطوبت، کیفیت هوا، سلامت عمومی، کشاورزی و اقتصاد مناطق مختلف تأثیر می‌گذارد. دریاچه‌ها و تالاب‌ها بخشی از سرمایه طبیعی ایران هستند و حفاظت از آن‌ها نه یک انتخاب است؛ بلکه ضرورتی برای تضمین امنیت زیست‌محیطی و توسعه پایدار کشور به شمار می‌رود. اگر اقدام‌های مؤثر و علمی در زمان مناسب صورت نگیرد، هزینه‌های ناشی از این بحران در سال‌های آینده بسیار سنگین‌تر از امروز خواهد بود.

جدول ۹۴۷۹

طراح: محمدرضا علی‌زاده zadehalireza@gmail.com

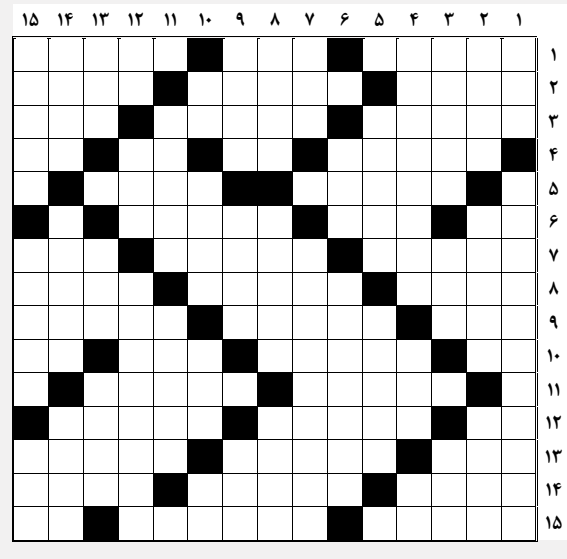

افقی

۱. ثروتمند- جوانمرد - سرگذشت قدما ۲. کودن- گرامی- ابتدایی ۳. لاف و گزاف- ناامید- مادر ترکی ۴. حرفی در الفبای یونانی- بوی ماندگی - شهر بی‌دفاع- نت بیماری ۵. روشنایی اندک آسمان در صبحدم- کاشف الکل ۶. شهر ارگ- مرغ سعادت- مساوی کردن ۷. نان ضخیم سنتی- عضو دست- آهک زنده ۸. رایزنی- رنگارنگ- نقیض اصول ۹. مظهر سبکی- سپردن کاری یا چیزی به کسی- ایزد شکار یونان باستان ۱۰. آزاد و رها- پیوسته- کرکس- عدد رمز ۱۱. انسانی- کشته شده ۱۲. کافی- هریک از طبایع چهارگانه- نفت سیاه ۱۳. تخته چوبی- نام دخترانه وطنی- هدایت کردن ۱۴. خیمه‌ها- دعاهای زیر لب- نشانه‌ها ۱۵. خداوند- میزان پولی که در حساب بانکی باشد - حرف دوم انگلیسی

عمودی

۱. نقطه سیاه روی پوست- شاعر سده چهارم هجری و خالق «آفرین‌نامه» که به زبان‌های فارسی و عربی شعر می‌سروده ۲. اسباب زحمت- رویه- کانال استراتژیک مصر ۳. کربن خالص- ابزار درودگری- تند و برنده ۴. برابر پارسی اینترنت- «کمر» درهم‌شکسته- ضمیر جمع ۵. بانوی همنشین- قرار گرفتن ماه در نقطه‌ای که فاصله آن تا خورشید ۶۰درجه باشد ۶. به جا آوردن- شاید ۷. بخشایش- فلز سبک هواپیماسازی ۸. گاز بی‌رنگ و بوی شیمیایی- روشنگری- مخفف امروز ۹. بحر- اندیشه- پیش از «واج» می‌آید ۱۰. درخت انگور- پرفروغ - عذاب‌هاست و جمع نقمت- مادر ورزش‌ها ۱۱. شیوع بیماری- پارچه‌ای که بر سر بندند ۱۲. الفبای آبادانی- طعم- رنگی از خانواده آبی ۱۳. نوعی بالاپوش- اجاره- «نوعی حلوا»+«پیشوند نداری» ۱۴. پیامبری در شکم ماهی- کنایه از خانه کوچک و حقیرانه است- خاک ۱۵. موهومی - خوشبختی - مرد برفی افسانه‌ای کوه‌های هیمالیا
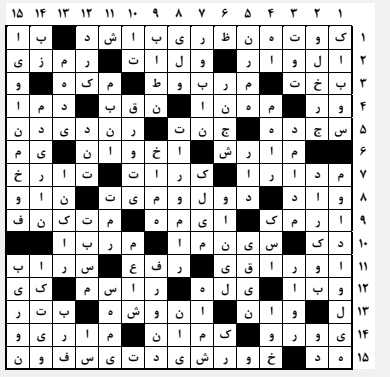
حل جدول شماره قبل